

## تجربه مشکلات جنسی در زنان متقاضی طلاق و راضی از زندگی مشترک: یک مطالعه کیفی

عاطفه محمدصادق<sup>۱</sup>، سید محمد کلانترکوشه<sup>۲</sup>، ابراهیم نعیمی<sup>۲</sup>

### مقاله پژوهشی

#### چکیده

**مقدمه:** یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی و رضایت از زندگی، روابط جنسی رضایت‌بخش است؛ چرا که رضایت‌بخش نبودن آن، منجر به بروز مشکلات شدیدتر و از هم گسستگی زندگی زناشویی می‌شود. هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی تجربه مشکلات جنسی در زنان متقاضی طلاق و مقایسه آن با زنان راضی از زندگی مشترک بود.

**روش:** این مطالعه با استفاده از روش پدیدارشناختی انجام شد. نمونه‌ها به روش گلوله برفی و با مراجعه به دادگاه‌های خانواده ونک و شهید محلاتی انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه ساختار یافته تا مرحله اشباع جمع‌آوری گردید. ۱۳ نفر از زنان متقاضی طلاق دارای مشکلات جنسی، ۱۱ نفر از زنان راضی از زندگی مشترک را معرفی نمودند.

**یافته‌ها:** از مصاحبه‌های صورت گرفته با زنان متقاضی طلاق، ۷ مضمون اصلی شامل «رابطه جنسی»، «مشارکت جنسی»، «طرحواره‌های جنسی»، «ارتباطات بین فردی زوجین»، «تمایلات جنسی»، «جذابیت جنسی» و «شرایط زندگی» استخراج شد. در خصوص گروه زنان راضی از زندگی مشترک نیز مضامین به ترتیب بیشترین فراوانی شامل «جذابیت جنسی»، «ارتباطات بین فردی زوجین»، «رابطه جنسی»، «مشارکت جنسی»، «طرحواره‌های جنسی»، «شرایط زندگی» و «تمایل جنسی» بود. همچنین، ۱۹ مضمون فرعی از محتوای مصاحبه‌های شرکت‌کنندگان به دست آمد.

**نتیجه‌گیری:** مشکلات جنسی، یکی از عوامل مؤثر بر طلاق و رضایتمندی جنسی نیز یکی از مؤثرترین عوامل برای نادیده گرفتن و حل کردن اختلافات در ابعاد دیگر زندگی و رضایت زناشویی می‌باشد.

**کلید واژه‌ها:** مشکلات جنسی، زندگی، رضایت، طلاق

**ارجاع:** محمدصادق عاطفه، کلانترکوشه سید محمد، نعیمی ابراهیم. تجربه مشکلات جنسی در زنان متقاضی طلاق و راضی از زندگی مشترک: یک مطالعه کیفی. مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت ۱۳۹۷؛ ۷ (۱): ۳۵-۴۷.

تاریخ پذیرش: ۹۶/۴/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۲۱

۱- کارشناسی ارشد، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

۲- استادیار، گروه مشاوره، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران

Email: atefeh.mohamadsadegh@gmail.com

نویسنده مسؤول: عاطفه محمدصادق

## مقدمه

یکی از مهم‌ترین عوامل خوشبختی در زندگی زناشویی و کیفیت زندگی خوب، روابط جنسی لذت‌بخش است. رضایت‌بخش نبودن روابط جنسی، سبب ایجاد احساساتی مانند محرومیت و ناامنی در همسران و در نهایت، منجر به طلاق و از هم گسستگی زندگی زناشویی می‌گردد (۱). سلامت جنسی به معنای هماهنگی و سازگاری جنبه‌های جسمی، عاطفی، عقلانی و اجتماعی انسان است که منجر به ارتقای شخصیت، روابط و عشق در او می‌گردد. بنابراین، روابط جنسی نه تنها موجب لذت زوجین می‌شود، بلکه ارتباطات و روابط بین فردی آن‌ها را نیز بهبود می‌بخشد (۲).

نیاز انسان به محبت و نوازش از جانب هم‌نوعش بسیار ژرف‌تر و حادث‌تر از احتیاج او به غذاست و ضرورت آن برای بقا و پایداری انسان امری غیر قابل انکار می‌باشد. نتایج مطالعات نشان داده است که عدم برخورداری کافی از امنیت و سلامت جنسی، نتایج وخیمی همچون تعصبات کورکورانه، خشم خارج از حد، افسردگی، استفاده از مواد مخدر، عدم توانایی جسمی و روحی برای والد شدن و مراقبت از کودک، عدم مهارت کافی برای داشتن یک رابطه سالم و عاطفی، عدم توانایی شکوفایی در جامعه، فرزندکشی و حتی مرگ را به دنبال دارد (۳). افرادی که در رابطه جنسی خود با همسرشان رضایت بالایی دارند، به طور قابل توجهی کیفیت زندگی بهتری را نسبت به آن‌هایی که رضایت ندارند، تجربه می‌کنند (۴).

محمدی و همکاران در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که ۸۳ درصد از زنان ایرانی دارای مشکلات جنسی هستند (۵). همچنین، نتایج تحقیق رضانی تهرانی و همکاران نشان داد که حدود یک سوم (۲۷/۳ درصد) از زنان به اختلال عملکرد جنسی مبتلا می‌باشند و احتمال ابتلا به این اختلال عملکرد در زنانی که ارتباط مناسبی با همسرانشان ندارند و یا در بیان نیازهای جنسی خود به همسرانشان ناتوان هستند، بیشتر است (۲). این مشکلات می‌تواند بر کیفیت زندگی زنان تأثیر بگذارد و از رضایتمندی آنان از زندگی مشترک بکاهد (۱).

با وجود شیوع بالای مشکلات جنسی در زنان، توجه کافی به آن نشده است و فقط عده کمی برای درمان مراجعه

می‌کنند. عوامل مختلفی از جمله عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در مراجعه این افراد برای درمان دخیل است. بیماران دارای مشکلات جنسی اغلب این مسأله را پنهان می‌کنند و یا سعی در حل مشکل در منزل می‌نمایند. در نتیجه، این طیف از علایم ناگفته می‌ماند و عدم درمان مناسب، موجب مزمن شدن علایم، ایجاد اختلالات روانی و در نهایت، سلب آرامش و آسایش از زوجین می‌گردد (۶).

مطابق آمار ارائه شده، میزان طلاق سالانه در ایران در حال افزایش است. ایران از نظر آمار طلاق در رتبه چهارم دنیا قرار دارد (۱). بر اساس آمار سازمان ثبت احوال، نسبت ازدواج به طلاق در شش ماه اول سال ۱۳۹۴، ۴/۴ بوده است. به عبارت دیگر، در مقابل هر چهار ازدواج ثبت شده، یک طلاق به ثبت رسیده است (۷).

مشکلات عملکرد جنسی ممکن است تحت تأثیر عوامل شخصیتی، اجتماعی- فرهنگی و خانوادگی پنهان باقی بماند و در مواردی خود را با علایم و نشانه‌های دیگری مانند ناراحتی‌های جسمانی، اختلال افسردگی و نارضایتی از زندگی زناشویی نشان دهد و گاهی تا مرز اختلافات شدید خانوادگی و جدایی پیش رود. این در حالی است که تشخیص به موقع و ارائه روش‌های درمانی مؤثر به همراه آموزش صحیح مسایل جنسی به زوج‌ها، می‌تواند مانع بروز بسیاری از مشکلات فوق گردد (۸، ۹). با وجود این که تحقیقات مختلفی در زمینه مشکلات و اختلالات جنسی انجام شده است، اما در زمینه مسایل و مشکلات جنسی زنان متقاضی طلاق پژوهشی یافت نشد. بنابراین، هدف از انجام مطالعه حاضر، مقایسه مشکلات جنسی در دو گروه از زنان متقاضی طلاق و راضی از زندگی مشترک بود.

## روش

تحقیق حاضر با استفاده از روش پدیدارشناختی انجام گرفت. پدیدارشناسی علم مطالعه، توصیف و تفسیر دقیق پدیده‌های گوناگون زندگی می‌باشد. در این نوع از تحقیق، تجربیات، برداشتها و احساسات افراد مورد مطالعه قرار می‌گیرد. جامعه آماری شامل دو گروه از زنان شهر تهران بود. گروه اول را

در اختیار شرکت کنندگان قرار گرفت و بر اساس نظرات آن‌ها، اصلاحات لازم صورت پذیرفت. همچنین، مشارکت داوطلبانه، رضایت آگاهانه، توضیح اهداف پژوهش، رازداری نتایج و تأکید بر حفظ اطلاعات، از جمله ملاحظات اخلاقی مورد توجه پژوهشگران بود.

### یافته‌ها

۶۱/۵ درصد از زنان متقاضی طلاق وضعیت اقتصادی متوسطی داشتند. از نظر سطح تحصیلات نیز بالاترین میزان برای زنان متقاضی طلاق (۸۴/۰ درصد)، مربوط به مقطع کارشناسی بود. بازه سنی بیشتر افرادی (۶۹/۲ درصد) که برای طلاق اقدام کرده بودند، بین ۳۰ تا ۳۵ سال قرار داشت که اغلب ۵ تا ۱۰ سال از عمر زندگی مشترکشان می‌گذشت که برای زنان راضی از زندگی نیز با همین نسبت همسان‌سازی انجام گرفت (جدول ۱).

جدول ۱. مشخصات دموگرافیک شرکت‌کنندگان مطالعه

متغیر	سطوح	زنان متقاضی	
		طلاق	زنان راضی از زندگی
		تعداد (درصد)	تعداد (درصد)
وضعیت اقتصادی	رضایت‌بخش	۳ (۲۳/۱)	۴ (۳۶/۴)
	متوسط	۸ (۶۱/۵)	۷ (۶۳/۶)
	بد	۲ (۱۵/۴)	۰ (۰)
تحصیلات	کارشناسی	۱۱ (۸۴/۶)	۷ (۶۳/۶)
	کارشناسی ارشد	۲ (۱۵/۴)	۴ (۳۶/۴)
سن (سال)	۲۵-۳۰	۴ (۳۰/۸)	۴ (۳۶/۴)
	۳۰-۳۵	۹ (۶۹/۲)	۷ (۶۳/۶)
عمر ازدواج (سال)	۵-۱۰	۱۰ (۷۶/۹)	۱۰ (۹۰/۹)
	بیشتر از ۱۰	۳ (۲۳/۱)	۱ (۹/۱)

در بررسی مشکلات جنسی زنان متقاضی طلاق و مقایسه آن با زنان راضی از زندگی، ۷ مضمون اصلی و ۱۹ مضمون فرعی شناسایی و طبقه‌بندی گردید که در جدول ۲ آرایه شده است.

**رابطه جنسی:** همان‌طور که در جدول ۲ نشان داده شده است، این موضوع اصلی از سه زیرموضوع «کیفیت در برابر کمیت رابطه، گشودگی یا عدم گشودگی کلامی در

تمام زانی که حداقل ۵ سال از زندگی مشترکشان گذشته بود و در سال ۱۳۹۴ به دادگاه‌های خانواده مراجعه کرده و تقاضای طلاق داده بودند، تشکیل داد. گروه دوم نیز شامل تمام زانی بود که حداقل پن‌ج سال از زندگی مشترکشان می‌گذشت و تمایلی برای طلاق نداشتند.

نمونه‌های پژوهش شامل ۱۳ زن متقاضی طلاق و ۱۱ زن راضی از زندگی بود که نمونه‌گیری تا اشباع ادامه یافت. زمانی که حرف‌ها و نظرات مشابهی به طور مکرر در مصاحبه‌ها شنیده شد، می‌توان حدس زد که داده‌ها به اشباع رسیده است. برای انتخاب اعضای نمونه، به دادگاه خانواده ونک و شهید محلاتی مراجعه گردید و ضمن صحبت با متقاضیان طلاق، توضیحاتی در خصوص تحقیق مورد نظر به آنان ارائه شد تا اطمینان و رضایت‌شان برای انجام مصاحبه جلب شود. نمونه‌ها به روش هدفمند از نوع گلوله برفی انتخاب شدند. برای این کار، با پرسیدن یک سؤال از افراد مراجعه‌کننده به دادگاه در خصوص علت طلاق، افرادی که دلیل مراجعه‌شان مشکلات جنسی بود، برای مصاحبه انتخاب شدند. سپس هر شرکت‌کننده شخص دیگری را که از نظر او از زندگی مشترک راضی بود، معرفی می‌کرد.

برای جمع‌آوری داده‌ها، از مصاحبه‌های انفرادی نیمه ساختار یافته استفاده گردید. سؤالات مصاحبه با توجه به ادبیات تحقیق و با در نظر گرفتن اهداف آن، توسط محقق و با راهنمایی ۵ نفر از استادان متخصص در این زمینه نگاشته شد و به اجرا درآمد. ابتدا یک مورد مصاحبه مقدماتی انجام و سؤالات بازنگری گردید.

داده‌ها با استفاده از روش Colaizzi مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ابتدا متن مصاحبه‌ها که به طور کامل روی کاغذ نوشته شده بود، چند بار به دقت مطالعه گردید. سپس عبارات مهم استخراج و معنی هر عبارت توضیح داده شد. کدهای حاصل از تجزیه و تحلیل اولیه به صورت جداگانه یادداشت و به صورت دسته‌هایی سازماندهی و کدهای مختلف برای تشکیل دسته‌های کلی‌تر در هم ادغام گردید؛ یعنی کدهایی که موضوع واحد داشتند، جزء مضامین اصلی قرار گرفتند. در نهایت، به منظور تعیین اعتبار داده‌ها، اطلاعات به دست آمده

نمی‌شه... اونم که گاهی حرف می‌زد، همش انتقاد بود» (شرکت‌کننده شماره ۳) یا «که نکته خوبی باشه می‌گم، اما اگه بد باشه اصلاً نمی‌گم؛ چون فوری دفاع می‌کنه یا مقابله می‌کنه» (شرکت‌کننده شماره ۶) داشتند. این در حالی است که در گروه زنان راضی از زندگی، اعتقادات مخالفی وجود داشت. «بعضی وقتاً واقعاً سوء تفاهم پیش می‌یاد و اگه حرف نزنیم، دلخوری و سردی پیش می‌یاد» (شرکت‌کننده شماره ۱۳).

در مورد ارضای جنسی، بیش از نیمی از افراد هر دو گروه به این موضوع اشاره کردند. بعضی افراد در گروه زنان متقاضی طلاق اظهار نمودند: «من هیچ وقت نفهمیدم اوج لذت جنسی که می‌گم چیه؟ واسه شوهرم مهم نبود من ارضا شم یا نه...» (شرکت‌کننده شماره ۱۰)، ولی افراد در گروه زنان راضی به این موضوع اشاره کردند که «همسرم خیلی برایش مهمه که منم ارضا بشم و همه تلاشش رو می‌کنه» (شرکت‌کننده شماره ۵).

**مشارکت جنسی:** موضوع اصلی مشارکت جنسی، همکاری کردن زنان در رابطه جنسی را نشان می‌دهد که شامل زیرموضوعات «فراهم کردن یا عدم فراهم موقعیت، فعال یا منفعل بودن در حین رابطه جنسی، توجه یا بی‌توجهی به نیازهای جنسی یکدیگر و بدرفتاری‌های جنسی از سوی همسر» می‌باشد.

در رابطه با مضمون فراهم کردن یا نکردن موقعیت، زنان متقاضی طلاق اظهار داشتند که هرگز خودشان موقعیتی برای رابطه جنسی فراهم نمی‌کنند. به عنوان مثال، برخی از آن‌ها گفتند: «برام مهم نبود که بخوام موقعیتی واسه این کار جور کنم. تعارف که نداشت، اگه خودش می‌خواست می‌اومد جلو...» (شرکت‌کننده شماره ۴). «رزشم می‌یاد پایین بخوام این کار رو بکنم. دوس ندارم فک کنه من نیاز دارم بهش» (شرکت‌کننده شماره ۲). در گروه زنان راضی از زندگی، زنان انعطاف بیشتری برای فراهم کردن موقعیت داشتند و به این موضوع اشاره نمودند: «من هر از گاهی کاری می‌کردم که شوهرم تمایل رو بفهمه» (شرکت‌کننده شماره ۹). «وقتی بخوام میل جنسی رو نشون بدم، معمولاً غیر مستقیم این کار رو می‌کنم. به فضایی ایجاد می‌کنم که به سمت رابطه جنسی

خصوص مسایل جنسی و ارضای جنسی (ارگاسم) تشکیل شده است. در خصوص زیرموضوع کیفیت در برابر کمیت رابطه، کل زنان مصاحبه شونده چه در گروه زنان راضی و چه در گروه زنان متقاضی طلاق کیفیت رابطه را مؤثرترین عامل در رضایتمندی یا نارضایتی جنسی خود دانستند: «فتضح بود... هر بار رابطه ما فقط ده دقیقه طول می‌کشید» (شرکت‌کننده شماره ۷). «بیتقدر سریع و بدون هیچ حرفی انجام می‌شد که انگار از رو وظیفه و اجبار داره کاری انجام می‌ده» (شرکت‌کننده شماره ۹). یکی از افراد در گروه زنان راضی گفت: «ما هیچ وقت عجله‌ای رابطه برقرار نمی‌کنیم، کاملاً به نیاز هم اهمیت می‌دیم و بعدش احساس شادابی می‌کنیم» (شرکت‌کننده شماره ۱).

## جدول ۲. مضامین اصلی و فرعی به دست آمده از مشارکت‌کنندگان مطالعه

مضامین اصلی	مضمون‌های فرعی
رابطه جنسی	کیفیت رابطه گشودگی یا عدم گشودگی کلامی در خصوص مسایل جنسی ارضای جنسی (ارگاسم)
مشارکت جنسی	فراهم یا عدم فراهم کردن موقعیت برای رابطه فعال یا منفعل بودن در حین رابطه جنسی توجه یا بی‌توجهی به نیازهای جنسی یکدیگر
تمایل جنسی	عمر ازدواج بدرفتاری‌های جنسی از سوی همسر
جذابیت جنسی	بهداشت فردی جذابیت یا عدم جذابیت ظاهری ادراک زن از بدن خویش
ارتباطات بین فردی زوجین	ایزاز یا عدم ایزاز عشق و محبت در زندگی درک یا عدم درک خواسته‌ها و نیازهای کلی زن در زندگی
طرحواره‌های جنسی	نگرش مثبت یا منفی نسبت به شروع کننده بودن زن ایزاز یا عدم ایزاز نیازهای جنسی
شرایط زندگی	باورهای ناکارآمد یا کارآمد زنان در مورد رابطه جنسی استرس‌های زندگی وضعیت اقتصادی
	سواد و دانش جنسی زوجین در خصوص رابطه جنسی

در بعد گشودگی یا عدم گشودگی کلامی در خصوص مسایل جنسی، تعداد زیادی از زنان متقاضی طلاق اعتقاداتی را بیان کردند. «من که حرفشو هیچ وقت نمی‌زنم؛ چون روم

کشیده بشه» (شرکت کننده شماره ۱۱).

در خصوص مضمون فعال یا منفعل بودن در رابطه جنسی، زنان متقاضی طلاق به نکاتی همچون «هیچ حرکتی نمی‌کنم تا کارشو بکنه بره فقط...» (شرکت کننده شماره ۸) یا «برام مهم نبود اون لذت می‌بره یا نه... وقتی به من توجه نمی‌کرد، منم هیچ تلاشی نمی‌کردم که لذت ببره» (شرکت کننده شماره ۱۰) اشاره کردند؛ در حالی که در گروه زنان راضی از زندگی افراد حرف‌هایی مانند «من می‌دونم که آناتومی زن و مرد تفاوت داره؛ به خاطر همین برای این که منم لذت ببرم، خودم توی رابطه تلاش می‌کنم» (شرکت کننده شماره ۲) یا «اگه بخوام لذت ببرم، خودمم باید یک تلاشی بکنم» (شرکت کننده شماره ۵)، می‌زدند.

زیرموضوع بعدی توجه به نیازهای جنسی یکدیگر بود. این که زوجین نیاز یکدیگر را مورد توجه قرار بدهند. به طور مثال، یکی از زنان اشاره کرد: «براش مهم نبود منم نیازی دارم. هر وقت خودش نیاز داشت، می‌اومد سمتم و من حتی باهاش حرفم زدم، اما فرقی نکرد» (شرکت کننده شماره ۴). «به خودش زحمت نمی‌ده به نیاز منم رسیدگی کنه، انگار باورش شده من نیازی ندارم؛ چون همیشه کوتاه اومدم» (شرکت کننده شماره ۹). در گروه زنان راضی از زندگی، آنان این موضوع را طور دیگری مطرح کردند. برخی افراد گفتند: «اگه قرار باشه هر کس نیاز خودش رو در نظر بگیره، رابطه اصلاً لذت‌بخش نمی‌شه. همسرم براش مهمه من چه نیازی دارم» (شرکت کننده شماره ۱۳).

در مورد مضمون بدرفتاری‌های جنسی از سوی همسر، زنان گروه متقاضی طلاق عنوان کردند: «هیچ وقت رفتار شب اول ازدواجمون رو یادم نمی‌ره... تا صبح گریه می‌کردم از وحشی بودنش» (شرکت کننده شماره ۳)؛ در حالی که زنان در گروه راضی اظهار داشتند: «همسرم همیشه مراقبم هست که احساس بدی نداشته باشم» (شرکت کننده شماره ۷). «همیشه اول من رو آماده می‌کنه و بعد رابطه برقرار می‌کنه» (شرکت کننده شماره ۸).

**تمایلی جنسی:** این مضمون شامل زیرموضوعات «عمر ازدواج و بدرفتاری‌های جنسی از سوی همسر» بود.

در خصوص عمر ازدواج به نظر می‌رسد که با طولانی شدن سال‌های ازدواج، میل جنسی زوجین کاهش پیدا می‌کند. چنانچه برخی زنان گروه متقاضی طلاق عنوان کردند: «اوایل برام جذاب‌تر بود و میلیم بیشتر بود بهش» (شرکت کننده شماره ۴). «ما فقط دو سال اول زندگی خوب بودیم، بعدش انگار تکراری شدیم» (شرکت کننده شماره ۹). در گروه زنان راضی از زندگی مشترک، شرکت کننده‌ای بیان کرد: «خب وقتی چند سال از زندگی می‌گذره، طبیعیه که یه خرده تکراری بشیم، ولی دوست داشتن و عشق رسیدگی می‌خواد و نباید ولش کرد».

در مورد مضمون بدرفتاری‌های جنسی از سوی همسر نیز فردی در گروه زنان متقاضی طلاق عنوان نمود: «هیچ وقت رفتار شب اول ازدواجمون رو یادم نمی‌ره... تا صبح گریه می‌کردم از وحشی بودنش»؛ در حالی که در گروه زنان راضی از زندگی مشترک، زنان اظهار داشتند: «همسرم همیشه مراقبم هست که احساس بدی نداشته باشم» (شرکت کننده شماره ۶).

**جذابیت جنسی:** این مضمون که شامل «بهداشت فردی، عمر ازدواج، جذابیت یا عدم جذابیت ظاهری، ادراک زن از بدن خویش» بود، به این مسأله اشاره دارد که جذابیت‌های جنسی مردان در نظر زنان متأثر از چه عواملی است.

نمونه‌هایی از اظهارات زنان متقاضی طلاق در مورد بهداشت فردی به این صورت است: «هفته‌ای یک‌بار من به زور می‌فرستادمش حموم و رو رابطمون واقعاً تأثیر داشت؛ چون من بدم می‌اومد» (شرکت کننده شماره ۳)؛ در حالی که زنان غیر متقاضی طلاق معتقد بودند: «صف جذابیت مرد به تمیزیشه. شوهرم همیشه تمیزه؛ چه لباسش چه خودش و این قضیه حتی میل جنسی منو بیشتر می‌کنه» (شرکت کننده شماره ۱۲).

نظر اکثر زنان متقاضی طلاق در خصوص جذابیت فیزیکی همسرانشان چنین بود: «هیافش رو دوست ندارم و همیشه به کسایی که شوهر خوش قیافه دارن حسودیم می‌شه» (شرکت کننده شماره ۴). «وزنش زیاده و اصلاً اهمیت نمی‌ده به سلامتی... منم از مرد چاق بدم می‌یاد» (شرکت کننده شماره ۹). در گروه زنان راضی از زندگی بیشتر افراد عنوان کردند: «چهره و هیکلش رو دوست دارم و با میل و رغبت در آغوش می‌گیرمش» (شرکت کننده شماره ۱۱).

و من رو قانع می‌کنه» (شرکت‌کننده شماره ۹). «همیشه ازم می‌پرسه چیزی لازم دارم یا نه... چه مادی، چه معنوی و اینقدر منو می‌شناسه که گاهی نیاز به بیان کردن نیست و خودش متوجه می‌شه» (شرکت‌کننده شماره ۶).

**طرحواره‌های جنسی:** مضمون طرحواره‌های جنسی دربرگیرنده زیرموضوعات «نگرش نسبت به شروع کننده بودن زن، ابراز نیاز جنسی و باورهای کارآمد یا ناکارآمد در مورد رابطه جنسی» بود.

اظهارات زنان گروه متقاضی طلاق در مورد مضمون نگرش زنان به شروع کننده بودنشان در رابطه جنسی چنین بود: «چرا زن این کارو کنه، مرد خودش نیاز داره و خودش باید جلو بیاد. رابطه جنسی یه برگ برنده برای زنه» (شرکت‌کننده شماره ۱). «می‌ترسم من پا پیش بذارم، منو پس بزنه... اون وقت خیلی غرورم خرد می‌شه» (شرکت‌کننده شماره ۸). در گروه زنان راضی از زندگی اظهاراتی همچون: «گاهی لازمه زن شروع کنه. شوهرم خیلی استقبال می‌کنه و خوشش می‌یاد» (شرکت‌کننده شماره ۱۰) بیان گردید.

در خصوص مضمون ابراز نیاز جنسی، زنان متقاضی طلاق معتقد بودند: «اصلاً نیازمو نمی‌گفتم؛ چون شوهرم هزار جور فکر بد می‌کرد» (شرکت‌کننده شماره ۵). «خودش باید بفهمه منم نیازهایی دارم. همه چیز رو که نباید بیان کرد» (شرکت‌کننده شماره ۱۱)؛ در حالی که زنان غیر متقاضی طلاق بیان کردند: «من هم مثل شوهرم نیازهایی دارم و خجالت نداره» (شرکت‌کننده شماره ۱۲). «مستقیم نمی‌گم، اما با شوخی و شیطنت منظورمو می‌رسونم» (شرکت‌کننده شماره ۹).

زنان متقاضی طلاق در مضمون باورهای جنسی، باورهای ناکارآمدی مانند: «کلاً از رابطه جنسی خوشم نمی‌یاد، زندگی مسایل مهم‌تری هم داره» (شرکت‌کننده شماره ۴). «مامانم همیشه می‌گفت مردا زن رو واسه این چیزا می‌خوان... راستم می‌گفت، واسه همین منم بدم می‌اومد» (شرکت‌کننده شماره ۵)، اما زنان راضی از زندگی باورهایی همچون: «رابطه جنسی لازمه زندگی مشترکه و خیلی از مشکلاتو می‌تونه حل کنه اگر خوب باشه» (شرکت‌کننده شماره ۲) داشتند.

مضمون ادراک زنان از بدن خود، بیانگر احساسی است که زن از بدن و ظاهر خودش دارد و تا حد زیادی متأثر از بازخورد دیگران به خصوص همسرشان است. به طور مثال، در گروه زنان متقاضی طلاق برخی افراد بیان کردند: «هر روز می‌گفت تو زشتی و من زن خوشگل می‌خوام» (شرکت‌کننده شماره ۴). «اینقدر از قیافه و هیکل بازیگرا و خواننده‌ها تعریف می‌کرد که من خودمو زشت‌ترین زن می‌دونستم» (شرکت‌کننده شماره ۵)؛ در حالی که زنان غیر متقاضی طلاق به این موضوع اشاره کردند که «همیشه ازم تعریف می‌کنه، خیلی حس خوبی بهم می‌ده، اعتماد به نفسم واقعاً بالا می‌ره» (شرکت‌کننده شماره ۲).

**ارتباطات بین فردی زوجین:** این مضمون شامل «ابراز یا عدم ابراز عشق و محبت و درک یا عدم درک خواسته‌ها و نیازهای کلی زن در زندگی» می‌باشد. بسیاری از زنان هردو گروه به این موضوع اشاره کردند که روابط غیر جنسی آن‌ها بر روی روابط جنسی آن‌ها تأثیر دارد. در گروه زنان متقاضی طلاق در خصوص ابراز عشق و محبت افراد اظهاراتی همچون: «می‌گه من مرد هستم و نمی‌تونم عین زنا قریون صدقه برم، یه زن باید این کار رو کنه» (شرکت‌کننده شماره ۷). «شوهرم می‌گه اگه به زن محبت کنیم، پررو می‌شه» (شرکت‌کننده شماره ۹)، داشتند. در گروه زنان راضی از زندگی ابراز عشق و محبت به گونه دیگری بود. به عنوان مثال، یکی از افراد اظهار داشت: «همسرم کلاً اهل ابراز احساسات نیست، اما با من خیلی متفاوت رفتار می‌کنه و همیشه محبت می‌کنه» (شرکت‌کننده شماره ۱۳).

در خصوص زیرموضوع درک خواسته‌ها و نیازهای زندگی به طور کلی، زنان گروه متقاضی طلاق معتقد بودند: «حتی برای یک خرید ساده هم نظر من پرسیده نمی‌شه و کلی جنگ داریم» (شرکت‌کننده شماره ۴). «وقتی ناراحتم می‌کنه یه عذرخواهی ساده هم نمی‌کنه» (شرکت‌کننده شماره ۲). «حتی زمانی که نیازهام رو مستقیم هم می‌گم، فرقی نمی‌کنه و اهمیتی قائل نیست» (شرکت‌کننده شماره ۸). این در حالی بود که زنان گروه راضی از زندگی چنین بیان کردند: «بیشتر مواقع متوجه حال و خواسته‌ام می‌شه و منطقی برخورد می‌کنه»

## بحث

پژوهش حاضر با هدف مقایسه مشکلات جنسی در دو گروه زنان متقاضی طلاق و راضی از زندگی مشترک انجام شد. یافته‌های مطالعه در ۷ مضمون اصلی شامل «رابطه جنسی، مشارکت جنسی، تمایل جنسی، جذابیت جنسی، ارتباطات بین فردی زوجین، طرحواره‌های جنسی و شرایط زندگی» و ۱۹ مضمون فرعی طبقه‌بندی گردید.

در خصوص رابطه جنسی که شامل «کیفیت رابطه، گشودگی کلامی در خصوص مسایل جنسی و ارضای جنسی» بود، همه شرکت‌کنندگان به کیفیت رابطه توجه ویژه‌ای داشتند و این موضوع نشان می‌دهد که کیفیت رابطه برای زنان مسأله مهم‌تری نسبت به تعداد دفعات رابطه جنسی است. نتایج تحقیقات مختلف نشان می‌دهد که تعداد دفعات فعالیت جنسی، یکی از عوامل مهم پیش‌بینی کننده رضایت جنسی در زوجین می‌باشد؛ به این معنی که با افزایش تعداد دفعات رابطه، رضایت جنسی زوجین افزایش پیدا می‌کند (۱۰-۱۳). همچنین، اگر تعداد دفعات رابطه جنسی متناسب با نیازهای زن نباشد، بر کیفیت رابطه تأثیر خواهد داشت. بسیاری از نتایج در خصوص گشودگی کلامی حاکی از آن است که صحبت کردن از مسایل و مشکلات جنسی، تا حد زیادی می‌تواند منجر به رفع آن‌ها شود. بنابراین، بدیهی است که عدم گشودگی کلامی در خصوص مشکلات جنسی، موجب ایجاد سوء تفاهم و اختلاف می‌گردد. چنانچه پژوهش‌ها نشان داده است که آموزش گفتگوی جنسی با همسر، باعث افزایش رضایت جنسی و صمیمیت جنسی می‌شود. زمانی که شرکت‌کنندگان آموختند تا به طور واضح و صریح پیرامون نیازها، علایق، اولویت‌ها و خواسته‌های جنسی‌شان با همسر خود مذاکره کنند، باعث شد تا افراد دید جدیدی نسبت به روابط جنسی خود پیدا کنند و رفتارهایی که باعث صمیمیت و رضایت جنسی بیشتر می‌گردد را بیشتر انجام دهند (۱۴، ۱۵، ۱).

بسیاری از زنان متقاضی طلاق مشکلاتی را در ارضای جنسی گزارش کردند. بسیاری از آن‌ها وقتی از تماس زناشویی خود به ارگاسم نمی‌رسند، احساس نقص و کمبود

## شرایط زندگی: این موضوع اصلی شامل زیرموضوعات

«استرس‌های زندگی، وضعیت اقتصادی و سواد جنسی زوجین در خصوص رابطه جنسی» بود. در خصوص استرس‌های زندگی نمونه‌هایی از اظهارات زنان متقاضی طلاق به این صورت بود: «یه وقتایی تو محیط کار مشکلی واسش پیش می‌اومد که سر من خالی می‌کرد و مدام از من ایراد می‌گیرد این جور موقعا...» (شرکت‌کننده شماره ۹). «جر و بحثای من و خانوادش باعث دوری ما دو تا شد و نصف دعوای ما سر خانوادش بود» (شرکت‌کننده شماره ۸). در گروه زنان راضی از زندگی، برداشت افراد از استرس‌ها چنین بود: «استرس و مشکل تو همه زندگی‌ها هست، مهم اینه که چطوری برخورد کنیم. شوهرم هیچ وقت مشکلات بیرونو داخل خونه نمی‌یاره» (شرکت‌کننده شماره ۳).

در خصوص تأثیر وضعیت اقتصادی بر مسایل جنسی نیز برخی زنان متقاضی طلاق معتقد بودند: «هر وقت بی پول می‌شد، رفتارش بدتر می‌شد و رابطه جنسیمون تعطیل می‌شد» (شرکت‌کننده شماره ۴)؛ در حالی که برخی زنان راضی از زندگی در این خصوص بیان کردند: «زندگیمون می‌چرخه و راضی هستیم، ولی اجازه نمی‌دیم بی‌پولی روی روابط عاطفیمون تأثیر بذاره» (شرکت‌کننده شماره ۱۲). «یه وقتایی به مشکل مالی می‌خوریم ولی خب سعی می‌کنیم اینجور وقتا همدیگه رو درک کنیم و کمتر سر به سر هم بذاریم» (شرکت‌کننده شماره ۱۰).

در خصوص سواد جنسی زوجین در رابطه جنسی، زنان متقاضی طلاق اعتقاد داشتند که همسران آن‌ها یا خودشان رابطه جنسی و برخورد با زن یا مرد را بلد نیستند. به عنوان مثال، برخی از آن‌ها بیان کردند: «کسی قبل از ازدواج به من نگفت رابطه جنسی چیه و من به عنوان زن وظیفم چیه» (شرکت‌کننده شماره ۸). «شوهرم اصلاً بلد نبود چیکار کنه که من لذت ببرم، انگار اصلاً بدن یه زن رو نمی‌شناخت» (شرکت‌کننده شماره ۲). زنان غیر متقاضی طلاق در این زمینه اظهار نمودند: «من مطلب زیاد می‌خونم راجع به مسایل جنسی و این که تفاوت زن و مرد چیه و از چه چیزایی لذت می‌برن» (شرکت‌کننده شماره ۸).

شدن حرف‌هایشان توسط شوهرانشان بدون هیچ اقدام خاصی، برایشان ارزشمند است؛ در حالی که بسیاری از زنان ناراضی این مسأله را مطرح کردند که بی‌توجهی همسرانشان به تمایلات و خواسته‌هایشان، منجر به سکوت و سرخوردگی آن‌ها شده است. بی‌توجهی مردان به تمایلات عاطفی زنان، زمینه‌ساز بروز اختلافات و سردی در روابط زوجین می‌شود. این سردی در نهایت به روابط جنسی زوجین کشیده می‌شود و بنای نارضایتی جنسی را نیز فراهم می‌کند. در خصوص کاهش رضایت جنسی با افزایش عمر ازدواج می‌توان گفت که در اوایل ازدواج احساسات زن و مرد و ابراز محبت قوی‌تر است، اما به تدریج و با گذشت زمان و افزایش سن ازدواج، میل جنسی زوجین به یکدیگر کمتر می‌شود و رضایت جنسی کاهش پیدا می‌کند. همچنین، برخی از زنان متقاضی طلاق به بدرفتاری‌های جنسی از سوی همسر خود اشاره نمودند. این بدرفتاری‌ها که می‌تواند شامل ارتباط جنسی با زور، عدم توجه به آمادگی همسر، ایجاد درد و فشار، تحقیر و... باشد، فشار روانی شدیدی را به زنان وارد می‌کند که فراموش کردن آن بسیار دشوار است. بر اثر همین فشار و نفرتی که در زن ایجاد می‌شود، رابطه به درستی برقرار نمی‌گردد. در نهایت، اگر این فشار روانی در طول زمان حل و فصل نشود، باعث دل‌زدگی و تنفر از رابطه جنسی خواهد شد (۱۰، ۹).

نتایج در زمینه جذابیت جنسی نشان داد که فیزیک جذاب همسر و رعایت بهداشت و تصور زنان از بدنشان برای هر دو گروه موضوع مهمی تلقی می‌شود. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد زنانی که همسران خود را جذاب می‌دانند، مشکلات جنسی کمتری را گزارش می‌کنند (۲). بر اساس یافته‌های به دست آمده، رعایت بهداشت فردی همسران، نقش بسیار مؤثری بر جذابیت جنسی آن‌ها در نظر زنان دارد (۱۷). بهداشت فردی علاوه بر این که باعث پذیرش بهتر طرف مقابل می‌شود، از انتقال عفونت‌ها و بیماری نیز به یکدیگر جلوگیری می‌کند و رضایت خاطر طرفین را برآورده می‌سازد. در خصوص ادراک زنان از بدن خودشان نیز مطالعات مختلف نشان داده است که تصویر ذهنی زنان از بدنشان، بر روی کارکرد جنسی آن‌ها تأثیر دارد و زنانی که نگرش منفی و

می‌کنند و این امر موجب ناامیدی زنان از خودشان می‌شود و این ناامیدی موجب می‌شود که برای تغییر در وضعیت خود تلاشی به خرج ندهند و این تلاش نکردن، منجر به عدم ارضای جنسی و افتادن در یک سیکل معیوب می‌شود. بر اساس نتایج مطالعات مختلف، یکی از شایع‌ترین مشکلات در زنان، مشکل در ارضای جنسی است و تجربه ارگاسم توسط زنان با میزان رضایت از رابطه زناشویی ارتباط دارد. ارگاسم در زنان تنها با تحریکات بدنی اتفاق نمی‌افتد و تا حد بسیار زیادی به شرایط روحی و ارتباط عاطفی طرفین بستگی دارد و از آنجایی که ارضای جنسی زنان تا حد زیادی به تلاش و کمک همسرانشان بستگی دارد، این همراهی و تلاش همسر حتی اگر به ارگاسم زن منجر نشود، می‌تواند فرد را به لذت و رضایت جنسی برساند؛ چرا که زنان بدون رسیدن به اوج لذت هم می‌توانند احساس رضایت نمایند (۱۵، ۱۱).

تبیین یافته‌ها در خصوص مشارکت جنسی نشان می‌دهد که زنان با پذیرفتن یک نقش منفعل جنسی، حقی را برای لذت بردن برای خود قایل نیستند. اتخاذ این نقش منفعل، یکی از عوامل زمینه‌ساز بروز مشکلات جنسی به شمار می‌رود. در جامعه ما زنان اغلب این انفعال و بی‌تفاوتی را شرم و حیا می‌دانند و اعتقاد دارند که اگر در رابطه فعال باشند، به آن‌ها انگیزه زده می‌شود و به بی‌حیایی متهم می‌شوند (۱۳). این انفعال در فراهم کردن موقعیت برای رابطه جنسی، منفعل بودن در حین رابطه جنسی و بی‌توجهی به نیازهایشان، باعث می‌شود که زنان از بسیاری از نیازهای طبیعی خود چشم‌پوشی کنند. در چنین فضایی که زنان اجازه ابراز تمایلات جنسی را به خود نمی‌دهند، دل‌زدگی زناشویی و نارضایتی جنسی بیشتر می‌شود (۱۳، ۱۱، ۲). نتایج تحقیق حاضر در خصوص تمایل جنسی نشان داد که بیشترین مشکلات زنان در این زمینه مربوط به عمر ازدواج و پس از آن بدرفتاری‌های جنسی از سوی همسر می‌باشد. پژوهش‌های متعددی به این نتیجه رسیده‌اند که بین طول مدت ازدواج و مشکلات جنسی ارتباط معنی‌داری وجود دارد. همچنین، درک تمایلات و خواسته‌های زنان به صورت کلی برای آن‌ها بسیار حایز اهمیت است (۱۶، ۸، ۲). زنانی که از زندگی خود راضی بودند، اعتقاد داشتند که حتی شنیده



دفعات رابطه جنسی می‌گردد که خود یکی از عوامل ناراضی‌تبی جنسی به شمار می‌رود.

در زمینه درک خواسته‌ها و نیازهای کلی زن در زندگی، نتایج تحقیق ریاحی و همکاران نشان داد که عدم درک خواسته‌ها و نیازهای همسران در حیطه اموری مانند اظهار محبت و علاقه، سازگاری در روابط جنسی، مسایل اقتصادی و... یکی از علل گرایش به طلاق است (۱۸). برآورده نشدن انتظارات معقول همسران از یکدیگر در زمینه اموری مانند ابراز عشق و محبت، روابط جنسی، مسایل تربیتی فرزندان، گوش دادن و توجه کردن، احترام و... زمینه‌ساز شکل‌گیری این ذهنیت در زوجین می‌شود که بیش از طرف مقابل در زندگی مشترک هزینه کرده و منفعت کمتری دریافت نموده‌اند (۱۹). چنانچه این نیازهای کلی در زندگی ارضا نشود، نمی‌توان انتظار داشت که زنان پاسخگوی همه نیازهای همسر خود باشند. در این شرایط بین زوجین فاصله‌ای ایجاد می‌شود که به مرور به روابط جنسی آن‌ها سرایت و بنای لجبازی و اختلاف را ایجاد می‌کند.

در زمینه طرحواره‌های جنسی، نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بیشتر زنان متقاضی طلاق نسبت به شروع کننده بودن زن نگرش منفی داشتند و نیاز جنسی خود را ابراز نمی‌کردند. حدود یک‌سوم از زنان نیز در مورد رابطه جنسی باورهای ناکارآمدی مانند «در زندگی چیزهای مهم‌تری هم وجود دارد و نباید خیلی روی رابطه جنسی تأکید کرد» داشتند. در گروه زنان راضی از زندگی نیز درصد بالایی از زنان نیاز جنسی خود را ابراز می‌کردند و حدود نیمی از افراد نگرش مثبتی نسبت به شروع کننده بودن زن داشتند؛ در حالی که هیچ یک از افراد باورهای ناکارآمدی در مورد رابطه جنسی نداشتند. نتایج تحقیق مجتبابی و همکاران نشان داد که طرحواره‌های جنسی پرشور- عاشقانه و خجالتی- محتاط با کارکرد جنسی ارتباطی معنی‌داری دارند (۱۹). زنانی که طرحواره‌های منفی خجالتی- محتاط دارند، در روابط جنسی نیز کارکرد ضعیف‌تری را از خود نشان می‌دهند. همچنین، زنانی که دارای طرحواره پرشور- عاشقانه هستند، قابلیت برانگیختگی و رسیدن به ارگاسم را در درجات بالاتری تجربه می‌کنند. زنان دارای

پذیرش پایین‌تری نسبت به بدن خود دارند، رضایت جنسی کمتری را تجربه می‌کنند (۸، ۲). با توجه به این که بدن انسان تظاهر فیزیکی اوست؛ می‌توان گفت که چگونگی تصور شخصی و احساسات وی در مورد بدنش، ادراک ذهنی مثبت یا منفی را ایجاد می‌کند. این ادراک به ویژه برای زنان که در طی جامعه‌پذیری بر مفهوم زیبایی‌شان تأکید زیادی می‌شود و اغلب اولین چیزی است که از سوی دیگران به آن توجه می‌شود، اهمیت زیادی در تعاملات اجتماعی‌شان دارد.

نتایج به دست آمده در حوزه مضمون اصلی ارتباطات بین فردی حاکی از آن بود که تعداد زیادی از زنان متقاضی طلاق روابط خود با همسرانشان را بدون عشق و محبت می‌دانند و حدود نیمی از آن‌ها معتقد بودند که خواسته‌ها و نیازهای کلی آن‌ها در زندگی درک نمی‌شود. این در حالی است که در گروه زنان راضی، درصد بالایی از زنان اعتقاد داشتند که نیاز به محبت و درک خواسته‌هایشان به خوبی در زندگی مشترک برآورده می‌شود. تحقیقات مختلف نشان دادند افرادی رضایت جنسی بیشتری را گزارش نمودند که در کل روابطشان با همسرشان مثبت‌تر و روابط عاطفی خوبی بینشان برقرار می‌باشد (۱۷، ۲). به عبارت دیگر، بین رضایت جنسی و میزان علاقمندی زن نسبت به همسر و بر عکس ارتباط معنی‌داری وجود دارد. همچنین، نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد زمانی که در جلسات آموزش جنسی، شرکت‌کنندگان تماس‌های عاطفی و غیر جنسی پیدا می‌کنند، در مرحله تماس‌های جنسی احساس صمیمیت و نزدیکی بیشتری را گزارش می‌نمایند. به عبارت دیگر، زمانی که زوجین می‌آموزند به یکدیگر ابراز عشق و محبت داشته باشند، پس از مدتی در تماس‌های جنسی خود رضایت بیشتری را احساس می‌کنند (۱۷، ۲). در تبیین این همخوانی می‌توان چنین گفت که لازمه کسب تجربه کامل فیزیکی عشق، برقراری رابطه عاطفی عمیق با زن است. در سایه این عمق از ارتباط است که زن به راحتی قادر به بیان تمایلات جنسی خود می‌باشد و این ابراز تمایل، از بروز مشکلات جنسی می‌کاهد. آشفستگی در روابط غیر جنسی که ممکن است به دلایل مختلف ایجاد شود، منجر به شکل‌گیری احساسات منفی و با گذشت زمان کاهش تعداد

اغلب زن است، لذت کافی و مناسب از رابطه نبرد و این مسأله منجر به تنش و استرس می‌شود. یافته‌های مطالعه حاضر در زمینه وضعیت اقتصادی و استرس‌ها، در هر دو گروه تا حدودی مشابه بود؛ یعنی به طور میانگین حدود یک‌چهارم از زنان هر دو گروه استرس‌ها و مشکلات مالی را از عوامل مؤثر بر رابطه جنسی دانستند. شاهواری و همکاران در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که وضعیت اقتصادی و رضایت از آن می‌تواند عامل مؤثری در رضایت جنسی باشد (۲۲). وجود استرس و عدم توانایی مدیریت آن، میل جنسی را کاهش می‌دهد و به دنبال آن مشکلاتی را در روابط جنسی پدید می‌آورد. از طرف دیگر، این استرس زوجین را تحریک‌پذیر می‌کند و آستانه تحمل آن‌ها را کاهش می‌دهد. بنابراین، روبه‌رو شدن با مشکلات زندگی یا باعث اختلاف بین زوجین می‌شود و یا طرفین در خود فرو می‌روند و احساس درماندگی می‌کنند که در هر صورت رابطه جنسی نیز مصون از آسیب نیست. با وجودی که در پژوهش حاضر هر دو گروه تا حدودی به یک میزان بر وجود استرس‌ها و مشکلات اقتصادی اشاره کردند، با توجه به محتوای صحبت‌های هر دو گروه، به نظر می‌رسد تفاوت بین گروه متقاضی طلاق و راضی از زندگی در مورد استرس‌ها و وضعیت اقتصادی، در برداشت آن‌ها از وضعیت و سبک مقابله‌ای آن‌ها باشد. زنان راضی، مشکلات زندگی را طبیعی و جزئی از زندگی می‌دانند و با همکاری همسران خود با آن به طور مؤثر مقابله می‌کنند، اما در گروه زنان متقاضی طلاق، نداشتن مهارت‌های مقابله‌ای مؤثر در برابر مشکلات، باعث پدید آمدن احساسات منفی و اثرگذاری بر روابط جنسی می‌شود.

### نتیجه‌گیری

در مجموع، نتایج به دست آمده نشان داد که رضایتمندی جنسی، عامل مهمی در موفقیت زندگی زناشویی است. رضای جنسی اگر درون خانواده و به درستی انجام گیرد و رضایت را برای هر دو طرف به همراه داشته باشد، ضمن این که سلامت جسمی و روحی زوجین تضمین می‌شود، مشکلات و تنش در خانواده کاهش می‌یابد. بنابراین، پرداختن مستقیم به

باورهای ناکارآمد جنسی (مانند زنان نجیب هیچ فعالیت جنسی را خودشان آغاز نمی‌کنند، زنانی که از نظر جسمی جذاب نیستند، نمی‌توانند ارضا شوند و روابط جنسی آخرین مسأله مهم در ازدواج است و...)، نقش‌پذیرا و منفعلی در رابطه جنسی پیش می‌گیرند. بنابراین، رابطه جنسی آن‌ها با احتمال بیشتری گرفتار رکود و عدم تنوع می‌شود و بعد از مدتی آن‌ها از رابطه جنسی سرخورده و دل‌زده می‌شوند. در زمینه ابراز نیاز جنسی نیز برخی پژوهش‌ها نشان داده است زنانی که نمی‌توانند امیال و خواسته‌های جنسی خود را ابراز کنند، بیش از سایر زنان مشکلات جنسی را تجربه می‌نمایند (۱۵، ۱۳). به دلیل تفاوت‌های فیزیکی و روانی زن و مرد، لازم است زوجین برای درک بهتر یکدیگر و لذت بردن از رابطه جنسی، نیازها و خواسته‌های خود را ابراز کنند. زنان با مطرح نکردن نیازهای جنسی خود باعث می‌شوند که همسرانشان از ترجیحات جنسی آن‌ها آگاه نباشند و این ناآگاهی به دنبال خود بین زوجین فاصله ایجاد می‌کند.

نتایج مطالعه حاضر در مورد مضمون شرایط زندگی نشان داد که استرس‌های زندگی، وضعیت اقتصادی و سواد و دانش جنسی زوجین در خصوص رابطه جنسی، از جمله عوامل مؤثر بر رضایت یا ناراضی جنسی می‌باشد. در خصوص دانش جنسی نیز یافته‌های پژوهش‌های مختلف نشان داده است که آموزش مهارت‌های جنسی می‌تواند باعث ایجاد احساسات مثبت، نزدیکی و صمیمیت به همسر، بخشش و افزایش ارتباط زناشویی و در نتیجه، تداوم آن و افزایش حل تعارض زوجین و رضایت زناشویی شود (۲۱، ۲۰، ۱۷). همچنین، یافته‌ها نشان داد نه تنها دانش جنسی افراد پایین است، بلکه عمده اطلاعاتی که کسب می‌کنند از منابع اطلاعاتی مانند ماهواره و اینترنت می‌باشد. این اطلاعات به طور عمده با الگوها و ارزش‌های فرهنگی جامعه ما در زمینه روابط جنسی متفاوت است که پیامد آن سردرگمی افراد در شناخت انتظارات و تکالیف خود و همسران در زمینه جنسی است (۲۱، ۲۰، ۱۷). زن و مرد به دلیل ساختار متفاوت روحی و جسمی، در زمینه رضایتمندی جنسی متفاوت عمل می‌کنند. عدم آگاهی از رابطه صحیح جنسی و لذت دوطرفه باعث می‌شود که یکی از طرفین که

حضور زوجین انجام شود تا امکان مقایسه و مطالعه عمیق‌تر وجود داشته باشد. همچنین، با توجه به اهمیت موضوع، دوره‌های آموزشی ویژه روابط جنسی برای جوانان در شرف ازدواج اجباری گردد.

### تشکر و قدردانی

بدین‌وسیله نویسندگان از همکاری مسؤولان دادگاه‌های خانواده و شرکت‌کنندگانی که در انجام تحقیق حاضر همکاری نمودند، تشکر و قدردانی به عمل می‌آورند.

شناسایی و تشخیص مشکلات جنسی و آگاه شدن بر عوامل تأثیرگذار بر این فرایند، می‌تواند به حل مشکلات زوجین و بهبود روابط آنان کمک نماید.

از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به تابو بودن مسایل جنسی در جامعه اشاره کرد که در مرحله نمونه‌گیری مشکلاتی را برای توجیه افراد ایجاد کرد. همچنین، به دلیل بازاری‌های فرهنگی- اجتماعی، شرکت‌کنندگان به راحتی در مورد موضوع مورد بررسی صحبت نمی‌کردند و از بیان مشکلات خود شرم داشتند. پیشنهاد می‌شود مطالعاتی با

### References

1. Foroutan SK, Jadid Milani M. The prevalence of sexual dysfunction among divorce requested. *Daneshvar Med* 2009; 16(78): 39-44. [In Persian].
2. Ramezani Tehrani F, Farahmand M, Mehrabi Y, Malekafzali H, Abedini M. Prevalence of female sexual dysfunction and its correlated factors: A population based study. *Payesh Health Monit* 2012; 11(6): 869-75. [In Persian].
3. Yekeh Fallah L, Goodarzi M. Prevalence of sexual dysfunction and related factors among married couples in Qazvin. *J Qazvin Univ Med Sci* 2009; 13(1): 49-55. [In Persian].
4. Asgari H. The role of mental health in marriage, marital life and divorce. Tehran, Iran: Goftegoo Publications; 2002. [In Persian].
5. Mohammadi K, Heydari M, Faghihzadeh S. The female sexual function index (FSFI): validation of the Iranian version. *Payesh Health Monit* 2008; 7(3): 269-78. [In Persian].
6. Bakouei F, Omidvar S, Nasiri F. Prevalence of female sexual dysfunction in married women and its related factors (Babol 2006). *J Babol Univ Med Sci* 2007; 9(4): 59-64. [In Persian].
7. National Organizaton for Civil Registration, Iranian Ministry of Interior. National Population Demographics, 2016 [online]. [cited 2017 Dec 12]. Available from: URL: [http://www.sabteahval.ir/Upload/Modules/Contents/asset99/12-0T\\_Yearbook\\_1395%20185.pdf](http://www.sabteahval.ir/Upload/Modules/Contents/asset99/12-0T_Yearbook_1395%20185.pdf) 2018.
8. Mazinani R, Akbari Mehr M, Kaskian A, Kashanian M. Evaluation of prevalence of sexual dysfunctions and its related factors in women. *Razi J Med Sci* 2013; 19(105): 59-66. [In Persian].
9. Rahmani A, Merghati Khoei E, Sadeghi N, Allahgholi L. Relationship between Sexual pleasure and Marital Satisfaction. *Iran J Nurs* 2011; 24(70): 82-90. [In Persian].
10. Nicolson P, Burr J. What is 'normal' about women's (hetero) sexual desire and orgasm?: A report of an in-depth interview study. *Soc Sci Med* 2003; 57(9): 1735-45.
11. Naeimi MR. Sexual problems and divorce (Case study: Golestan province). *Quarterly Sociological Studied of Iran*: 2012; 2(4). [In Persian].
12. Movahed M, Azizi T. A study on the relationship between the sexual satisfaction of women in a married life and conflicts between spouses, among married women in Shiraz. *Women in Development & Politics* 2011; 9(2): 191-217. [In Persian].
13. Sasanpour M, Shahrodyan G, Ahmadi SA. The effectiveness of sexual cognitive reconstruction program for couples on reduction of sexual problems. *Journal of Family Research* 2015; 10(4): 475-91. [In Persian].
14. Bolourian Z, Ganjloo J. Evaluating sexual dysfunction and some related factors in women attending Sabzevar health care centers. *Journal of Reproduction and Infertility* 2007; 8(2): 163-70. [In Persian].
15. HoseiniTabaghdehi M, Haji Kazemi E, Hoseini F. The relative frequency of sexual dysfunction and some related factors in the women referred to the health centers of Sari city (2006). *J Mazandaran Univ Med Sci* 2012; 22(91): 102-7. [In Persian].
16. Karimi A, Dadgar S, Afiat M, Rahimi N. The effect of sexual health education on couples' sexual satisfaction. *Iran J Obstet Gynecol Infertil* 2013; 15(42): 23-30. [In Persian].

17. Shakarami M, Davarnia R, Zaharakar K, Gohari SH. The effect of sex education on sexual intimacy of married women. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing* 2014; 2(1): 34-42. [In Persian].
18. Riahi ME, Aliverdina A, Bahrami Kakavand S. A sociological analysis of tendency towards divorce (a case study of Kermanshah city). *Woman in Development and Politics* 2008; 5(3): 109-40. [In Persian].
19. Mojtabai M, Saberi H, Alizadeh A. Women sexual function: The role of sexual-self schema and body image. *Journal of Health Psychology*: 2014; 5(3): 52-60. [In Persian].
20. Tavakolizadeh J, HajiVosogh NS. The effect of Cognitive behavioral teaching on marital satisfaction of women having hypoactive of sexual disorder. *J Ilam Univ Med Sci* 2013; 21(5): 44-50. [In Persian].
21. Aliakbari Dehkordi M. Relationship between women sexual function and marital adjustment. *Journal of Behavioral Sciences* 2010; 4(3): 199-206. [In Persian].
22. Shahvary Z, Gholizade L, Mohamad Hoseiny S. Determination of some related factors on women sexual satisfaction Gachsaran (South-West of Iran). *J Gorgan Univ Med Sci* 2010; 11(4): 51-6. [In Persian].

## The Experience of Sexual Problems in Women Seeking Divorce and Women Satisfied with their Marriage: A Qualitative Study

Atefeh Mohammadsadegh<sup>1</sup>, Seied Mohammad Kalantar-Kosheh<sup>2</sup>, Ebrahim Naeimi<sup>2</sup>

### Original Article

#### Abstract

**Introduction:** One of the most important factors influencing marital satisfaction and life satisfaction is sexual satisfaction; as not being satisfactory tends to more severe problems, and even rupture of the marriage. Accordingly, the aim of this study was to assess the experience of sexual problems in women seeking divorce and women satisfied with their marriage.

**Method:** This was a qualitative study using phenomenology method. Snowballing sampling was used in Vanak and Shahid Mahallati family courts, Tehran, Iran, and sampling continued until reaching the saturation point. 13 women seeking divorce, and 11 women satisfied with their marriage, who were introduced by women seeking divorce, enrolled the study.

**Results:** In women seeking divorce, 7 codes with the highest frequency were extracted including “sex”, “sexual partnerships”, “sexual schemas”, “interpersonal communication of couples”, “sexual orientation”, “sexuality”, and “living conditions”, respectively. In women satisfied with their marriage, the codes with the highest frequency were as “sexuality”, “interpersonal communication of couples”, “sex”, “sexual partnerships”, “sexual schemas”, “living conditions”, and “sexuality”, respectively. 19 subthemes were pointed by the participants, too.

**Conclusion:** Sexual issues is one of the factors affecting divorce, sexual satisfaction is one of the most effective factors in solving and disregarding interpersonal problems and marriage satisfactory.

**Keywords:** Sexuality, Life, Satisfaction, Divorce

**Citation:** Mohammadsadegh A, Kalantar-Kosheh SM, Naeimi E. **The Experience of Sexual Problems in Women Seeking Divorce and Women Satisfied with their Marriage: A Qualitative Study.** J Qual Res Health Sci 2018; 7(1): 35-47.

Received date: 10.02.2016

Accept date: 01.07.2017

1- Department of Consulling, School of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

2- Assistant Professor, Department of Consulling, School of Psychology and Educational Sciences, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

**Corresponding Author:** Atefeh Mohammadsadegh, Email: atefeh.mohamadsadegh@gmail.com